

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

مراد از تعبیر «یوم» در «عشرة ايام»

بحث بعد مراد از تعبیر «یوم» است که در آن دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: «یوم» در مقابل «لیل» مراد است: طبق این احتمال «یوم» یعنی از طلوع شمس یا طلوع فجر تا طلوع مغرب؛ در نتیجه شخص باید ده روز و نه شب در مکان مدنظر بماند تا اقامت ده روز محقق شود.

احتمال دوم: مقصود از «یوم» اعم است یعنی بیست و چهار ساعت: طبق این احتمال شخص باید ده شب و ده روز در محل مذکور اقامت داشته باشد.

با توجه به استعمالات یوم به این نتیجه می‌رسیم که یوم، ظهور در احتمال اول دارد؛ مثلاً خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ»^[1] پس در مورد «یوم» و «لیل» مانند «فقیر» و «مسکین» نمی‌توان گفت: «اذ اجتماعاً افتراقاً و اذ افتراقاً اجتماعاً».

لذا مرحوم سید(ره) و مرحوم امام(ره) در این بحث می‌فرمایند: مقصود از ایام ده روز و نه شب است؛ یعنی شب‌هایی که میان روز واقع می‌شوند داخل هستند اما شب اول و آخر داخل نیستند.^[2]

بررسی مبدأ «یوم»

مطلب بعد آغاز روز است که در آن دو احتمال وجود دارد. این بحث در اوقات نمازهای روزانه، نوافل و خصوصاً بررسی ماهیت نیمه شب مورد بحث قرار گرفته و گفته می‌شود مقدار زمانی که در آن خورشید در قوس دیده می‌شود روز و مقدار زمانی که خورشید در قوس دیده نمی‌شود شب است.

احتمال اول: طلوع خورشید: مرحوم آقای خوئی(ره) در بررسی مفهوم نیمه شب و در مانحن اصرار دارند که مبدأ روز از طلوع شمس است.

ایشان می‌فرمایند: عرف، استعمالات و واقع فلکی نیز مؤید این مطلب می‌باشد؛ مثلاً روز در نظر عرف از زمانی آغاز می‌شود که خورشید طلوع کرده و در آسمان آشکار می‌شود.

به بیان دیگر شرع برای کلمه «یوم» و «لیل» اصطلاح و معنای جدید ندارد بلکه آنچه متفاهم نزد عرف است، معیار می‌باشد. عرف نیز می‌گوید: یوم از طلوع شمس شروع شده و تا غروب آن ادامه دارد.

طبق نظر ایشان پیش از طلوع شمس ولو طلوع فجر محقق می‌شود اما این مقدار که به آن بین الطلوعین گفته می‌شود، عنوان روز را ندارد بلکه شب است.

در ادامه نیز می‌گویند این‌که بگوئیم بین الطلوعین نه شب و نه روز باشد فی نفسه موهون است. تنها مستند آن دو روایت است که سند و دلالت آن‌ها مورد قبول نمی‌باشد.

اما جای تعجب است که مرحوم آقای خوئی (ره) در بحث حج و مسئله بیتوته شب در منا می‌فرماید: مقدار شب از غروب شمس تا فجر است، یعنی طلوع خورشید را جزء روز قرار داده‌اند نه ابتدای آن.

احتمال دوم: طلوع فجر: طبق این احتمال حدود یک و ساعت نیم نسبت به احتمال اول زمان روز بیشتر و بین الطلوعین نیز جزء روز خواهد بود.

مرحوم سید (ره) متعرض این بحث نشده‌اند، اما مرحوم امام (ره) می‌فرماید: مبدأ روز از طلوع فجر ثانی یا فجر صادق است. مختار مشهور فقهاء از قدیم و جدید همین مبنا می‌باشد.

توضیح مطلب این‌که فجر دو مرحله دارد: الف- فجر اول یا فجر کاذب که زائل می‌شود. ب- فجر ثانی که تا طلوع خورشید استمرار دارد و به آن فجر صادق نیز گفته می‌شود.

مرحوم کاشف الغطاء (ره) در حاشیه بر عروه می‌فرماید: مقصود از یوم از مسئله محل بحث، «یوم الصوم» است که از طلوع فجر آغاز می‌شود. اما «یوم الأجر» که از طلوع شمس شروع می‌شود از محل بحث خارج می‌باشد.^[3]

کلام مرحوم صاحب جواهر (ره)

مرحوم صاحب جواهر (ره) در مورد احتمال دوم می‌فرماید: اگر شخص عالم به لسان شرع، عرف و لغت باشد باید مراد از روز را طلوع فجر بدانند و این مطلب به خوبی از ابواب مختلف مانند روزه، نماز، موافق حج، اعتکاف و... قابل استفاده می‌باشد. لذا بسیاری از فقهاء، مفسرین و لغویین نسبت به این مطلب تصریح نموده‌اند.

هر چند این مطلب صحیح است که عرف یوم را به زمانی می‌گوید که خورشید طلوع کرده باشد و در کتاب‌های علمی نیز تعبیر «کَلِمَ کَانَتِ الشَّمْسُ طَالِعَةً فَالْنَّهَارُ مَوْجُودٌ» وجود دارد. اما از آن‌جا که مرحوم صاحب جواهر (ره) می‌فرماید: در تمام ابواب فقهی مقصود از روز طلوع فجر است، باید عدم وجود اصطلاحی خاص از سوی شارع مقدس مورد بررسی قرار گیرد.

مرحوم صاحب جواهر (ره) برای اثبات این مطلب به برخی آیات و روایات استدلال نموده‌اند. یکی از آیات مورد استدلال بر این مطلب که روز از طلوع فجر ثانی شروع شده و ما بین الطلوعین نیز جزء روز می‌باشد، این آیه می‌باشد:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ»^[4] نماز را در دو طرف روز و ابتدای شب اقامه نما. در روایت مقصود از یکی از دو طرف روز را نماز صبح و طرف دیگر را نماز مغرب قرار داده‌است.

مرحوم صاحب جواهر(ره) طبق همین مطلب می‌فرماید: اولاً نماز صبح جزء یک طرف نهار است و ثانیاً وقت نماز صبح از ابتدای طلوع فجر است؛ در نتیجه فجر یک طرف نهار است به این جهت که «إِنْ طَرَفُ الشَّيْءِ دَاخِلٌ فِي الشَّيْءِ» یعنی طرف که منتهی و آخرین حدّ شیء است، داخل در شیء می‌باشد و نماز صبح طبق این آیه داخل در روز می‌باشد.^[15]

کلام مرحوم خوئی(ره) در بررسی کلام مرحوم صاحب جواهر(ره)

مرحوم آقای خوئی(ره) در رد استدلال مرحوم صاحب جواهر(ره) می‌فرماید: اولاً «طرف» تنها در چیزی که داخل در شیء باشد استعمال نمی‌شود. بلکه گاهی در آنچه خارج از شیء و متصل به آن است نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ثانیاً قطعاً یکی از دو طرف که مغرب است، خارج از روز می‌باشد، لذا به قرینه مقابله و اتحاد سیاق می‌گوئیم: طرف دیگر یعنی صبح نیز از نهار خارج است.

یعنی هر چند زمان اقامه نماز صبح از فجر است، اما اقامه نماز در فجر به این عنوان که داخل در نهار می‌باشد نیست، بلکه مراد فجری است که خارج از عنوان نهار می‌باشد.^[16]

بررسی کلام مرحوم خوئی(ره)

نسبت به کلام مرحوم خوئی(ره) سه اشکال وجود دارد:

اشکال اول: طبق این مبنا که مغرب با استتار قرص محقق شود، همچنان حمره مشرقیه و روز طبق نظر عرف باقی است.

به نظر ما آیه محل بحث می‌تواند قرینه بر معیار بودن استتار قرص در مغرب باشد؛ به این بیان که استتار قرص، لبه و طرف نهار است؛ برای این‌که وقتی خورشید پشت افق می‌رود هنوز هوا تاریک نیست. لذا در مکه و مدینه نماز مغرب را در حالی‌که هوا روشن است می‌خوانند.

مرحوم آقای خوئی(ره) معیار در مغرب را زهاب حمره مشرقیه گرفته و لذا می‌فرماید: در هنگام زهاب حمره مشرقیه هوا تاریک و شب است و متصل به روز می‌باشد.

به بیان دیگر مرحوم آقای خوئی(ره) این مبنا را مسلم گرفته‌اند که نماز مغرب در شب است، لذا می‌فرماید: مغرب خارج از نهار است، پس طرف دیگر که فجر باشد نیز خارج از نهار می‌باشد؛ در حالی‌که این مطلب صحیح نیست.

اشکال دوم: با فرض این‌که اجتهاد در لغت امکان ندارد و صحیح نیست می‌گوئیم کلام ایشان با لغت سازگاری ندارد؛ به این بیان که لغت طرف الشیء را داخل در شیء می‌داند و اگر در مورد طرفی خارج از شیء باشد و به آن طرف بگویند، استعمال مجازی است.

لسان العرب می‌گوید: «طَرَفُ الشَّيْءِ مَنْتَهَى الشَّيْءِ اطْرَافُ الْإِنْسَانِ طَرَفُ الثُّوبِ فَهُوَ جُزْءٌ مِنْهُ وَ دَاخِلٌ فِيهِ.» پس مراد از طرف لبه است که به آن «حرف» نیز گفته می‌شود.

در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يْعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ.»^[17] چنین به نظر می‌رسد مقصود آیه شریفه این

نیست که برخی افراد تنها به صورت لفظی خداوند بلند مرتبه را عبادت می‌کنند. بلکه مقصود این است که حرکت این افراد در مسائل مختلف مادی و معنوی بر لبه است و استقرار و استحکام ندارد.

اشکال سوم: طبق نقل یکی از شاگردان مرحوم خوئی (ره) در پاورقی شرح عروه، ایشان قرینیت سیاق قبول ندارند و معلوم نیست چرا در مانحن فیه به ان استدلال نموده‌اند؟! [8]

شاید بتوان در جواب گفت: ایشان هم از قرینه سیاق و هم از قرینه مقابله برای استدلال استفاده نموده‌اند.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] حاقه، 7.

[2] «و الليالي المتوسطة داخله بخلاف الليلة الأولى و الأخيرة فيكفي عشرة أيام و تسع ليال...» العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج2، ص: 144 و تحرير الوسيلة، ج1، ص: 258.

[3] «بيوم الصوم الذي ابتداءه من طلوع الفجر لا يوم الأجير الذي هو من طلوع الشمس و يعتبر تمامه فلا يجزي الناقص و لو يسيراً. (كاشف الغطاء).» العروة الوثقى (المحشى)، ج3، ص: 478.

[4] هود، 114.

[5] «ثم من المعلوم أن جميع ما ذكرناه في هذه المباحث مبني على انتهاء الليل بطلوع الفجر، و ان النصف انما يلاحظ بالنسبة إليه، سواء قلنا بأن ساعة الفجر من النهار و اليوم كما هو المعروف، أو واسطة بينه و بين الليل كما دلت عليه بعض النصوص التي تسمعهما إن شاء الله، و إن أمكن على بعد بناؤه أيضاً على أنها من الليل حتى بملاحظة الانتصاف بدعوى دلالة الأدلة على ذلك، و على امتداد وقت صلاة الليل إلى ذلك، إذ لا تلازم بين كونه منه و الامتداد إلى طلوع الشمس مثلاً، لكن لما كان في غاية البعد خصوصاً الانتصاف بل المحكي عن بعضهم خلافه كما ستعرف اتجه بناء المسألة على الأول، على انه هو الحق الموافق لأكثر اللغويين و المفسرين و الفقهاء و المحدثين و الحكماء الإلهيين و الرياضيين كما سمعته من السيد الداماد في البحث عن آخر وقت الظهرين، بل الظاهر ان الخلاف فيه قد اضمحل و انعقد الإجماع بعده، نعم بعض أهل الحرف و الصناعات لما كان ابتداء عملهم من طلوع الشمس قد يطلقون اليوم عليه، و ذكره بعض أهل اللغة لذلك، و لعله كان قديماً كذلك بحيث صار فيه حقيقة أيضاً، كما ان المنجمين قد يطلقون اليوم على ما بين الطلوع إلى الغروب، و على ما بين الطلوع إلى الطلوع، و على ما بين الغروب إلى الغروب، و على ما بين الزوال إلى الزوال، و كذا النهار على المعنى الأول، و الليل على ما بين غروب الشمس إلى طلوعها. لكن لا ينبغي أن يستريب عارف بلسان الشرع و العرف و اللغة ان المنساق من إطلاق اليوم و النهار و الليل في الصوم و الصلاة و مواقف الحج و القسم بين الزوجات و أيام الاعتكاف و جميع الأبواب أن المراد بالأولين من طلوع الفجر الثاني إلى الغروب...» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج7، ص: 219 به بعد.

[6] «و فيه: أن طرف الشيء كما يطلق على ما هو داخل فيه كالجاء الأول و الأخير، كذلك يطلق على ما هو خارج عنه متصل به كحد له، و لا شبهة أن المراد من أحد الطرفين في الآية المباركة هو المعنى الثاني كما سمعت من تفسيره بالمغرب الذي هو خارج عن النهار قطعاً، فلا بد بمقتضى المقابلة و اتحاد السياق أن يكون الطرف الآخر أيضاً كذلك. إذن فالآية المباركة على خلاف المطلوب أدل.» موسوعة الإمام الخوئي، ج11، ص: 193.

[7] حج، 11.

[8] «لا قرينية لاتحاد السياق عند السيد الأستاذ (طاب ثراه) و أما الصحيحة فهي معارضة بنصوص أخر وردت في تحديد الطرفين كما يظهر للمراجع هذا، و الطرف في اللغة هو منتهى الشيء و حرفه، و منه أطراف الإنسان و طرف الثوب فهو جزء منه و داخل فيه و استعماله في الخارج مجاز.» موسوعة الإمام الخوئي، ج11، ص: 193.